



نگاهی به اعتراضات قهرآمیز توده ای اخیر

از زمره گردانندگان و اخذکنندگان اصلی وام، از این صندوق بوده اند. تجمع فوق به دلیل عدم پاسخگوئی مقامات رژیم و تلاش آنها برای سرکوب معترضین به خشونت گرائید و مردم ضمن سردادن شعار بر علیه مقامات دزد و فاسد حکومت، به مقاومت در مقابل هجوم نیروهای انتظامی و زدو خورد با آنها پرداختند. در جریان این درگیری ها یک جوان دانش آموز به دست نیروهای جنایتکار جمهوری اسلامی کشته و ۱۳ تن زخمی شدند. مردم به جان آمده ممسنی در ادامه حرکت خویش دفتر صندوق قرض الحسنه را به همراه یک اتوبوس دولتی به آتش کشیدند و به ساختمان چندین بانک خسارت وارد کردند.

ادامه مطلب در صفحه ۲

به "زدن و کشتن" نیروهای سرکوبگر حکومتی شده است.

در تاریخ ۸ مهر ماه جاری نیز شهر ممسنی شاهد شورش مردم به جان آمده این منطقه بود. مردم خشمگین پس از اعلام ورشکستگی صندوق قرض الحسنه "ذوالفقار علی" در این شهر و رو شدن دست مقامات دزد و فاسد حکومتی در بالا کشیدن سپرده های آنان، در مقابل دادگستری ممسنی اجتماع کرده و خواهان باز پس گرفتن سپرده های خود شدند. اعلام ورشکستگی این صندوق در حالی صورت گرفت که معلوم شد، شهردار مزدور نور آباد و تنی چند از اعضای شورای شهر،

مردم، ضمن تجمع به شعار دادن و اعتراض بر علیه مقامات رژیم پرداختند و یکی از نیروهای انتظامی را مجروح کردند. در شهر فلاورجان نیز در جریان درگیری های مشابه، به گزارش منابع خبری حکومتی ۱۵ تن از مردم معترض به جرم "اخلال در نظم عمومی" دستگیر شدند.

روز جمعه ۱۱ مهر ماه نیز کاشان شاهد اعتراض مردم و به ویژه جوانان و کارگران بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بود. همچنین در این تاریخ در مناطق شمال غرب تهران (جنت آباد و بزرگراه ستاری) مردم معترض با تجمع، به سردادن شعار بر علیه حکومت پرداخته و در ادامه به زد و خورد با نیروهای گشت جمهوری اسلامی مبادرت ورزیدند. در کرمانشاه نیز گروهی از مردم که حکومت آنها را "اراندل و اوباش" نامیده است در پارک ملت این شهر تجمع کرده و در حالیکه به سلاح سرد مجهز بودند، با نیروهای انتظامی درگیر شده و یک پلیس را مجروح نمودند.

از سوی دیگر بلندگوهای تبلیغاتی حکومت اعلام کرده اند که در هفته های اخیر در منطقه رجایی شهر کرج اطلاعیه هایی با امضای "سپاه سربداران" پخش شده که در آن با وعده "آزادی ایران" تهدید

در روزهای اخیر بار دیگر موجی از اعتراضات پراکنده ولی قهرآمیز، بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی برخی از شهرهای ایران را فراگرفت. برخوردهای بین مردم و نیروهای حکومتی، چند کشته و دهها زخمی بجای گذارد. در جریان اعمال سرکوبگرانه نیروهای حکومت بر علیه توده های عاصی، صدها تن بازداشت و روانه سیاهچال ها شدند. در جریان این حرکات، شماری از نیروهای رژیم نیز به دست مردم معترض کشته و زخمی شدند.

برخی از اعتراضات فوق و درگیری های متعاقب آن در هنگام تجمعات توده ای در جریان جشن های نیمه شعبان در شهرهای مختلف به وقوع پیوست. به عنوان نمونه در تاریخ پنجشنبه شب ۱۰ مهر ماه، در میدان انقلاب اصفهان، صدها تن از مردم به ساختمان های دولتی و خودروهای پلیس حمله کرده و ضمن شکستن شیشه بانک ها، با انفجار مواد آتش زا به سردادن شعار بر علیه مقامات رژیم پرداختند. در جریان این حرکت اعتراضی، ۳ تن از نیروهای دولتی حاضر در منطقه، مجروح شدند و با هجوم گسترده نیروهای انتظامی ۲۷۰ تن از مردم معترض دستگیر گشتند. در همین تاریخ در منطقه امام در شهر یزد نیز صدها تن از

چند خبر از مبارزات کارگری

اعتراضات کارگران به اقدامات ضدکارگری سازمان تأمین اجتماعی که هر روز بیش از گذشته حیات و اوضاع معیشتی کارگران را در خطر نابودی قرار می دهد همچنان ادامه دارد. در همین رابطه حرکات اعتراضی متعددی از سوی کارگران بندر عباس، همدان، کاشان، کارگران استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به سازمان تأمین اجتماعی در یکماه گذشته صورت گرفته است و کارگران زحمتکش برای تحقق خواست های خود در رابطه با عدم اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد، عدم اجرای قانون احتساب سنوات سربازی جزو سنوات کاری و عدم اجرای قانون بازنشستگی کارگران با ۲۵ سال سابقه کار و محاسبه نشدن بیمه بیکاری در مورد کارهای سخت و زیان آور به تجمعات اعتراضی دست زدند.

ادامه مطلب در صفحه ۳



نگاهی به اعتراضات قهر آمیز توده ای اخیر

بقیه از صفحه ۱

در هفته های اخیر همچنین درگیری های مسلحانه متعددی در چند مرحله بین اهالی روستای "سه تپه" در اطراف میاندوآب با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی رخ داده است که به دلیل وسعت آنها اخبار این درگیری ها در مواردی در روزنامه های حکومت نیز انعکاس یافته است. مطابق این گزارشات، در یکماه گذشته در اثر یک سلسله درگیری های مسلحانه بین نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی و اهالی روستای "سه تپه" میاندوآب که دامنه برخی از آنها به خود شهر نیز کشیده شد شماری از اهالی این روستا و ۳ تن از نیروهای سرکوبگر و منجمه فرمانده آنان کشته شدند و دهها تن دیگر زخمی گشتند. این درگیری ها پس از آن به وقوع پیوست که نیروهای جنایتکار رژیم به بهانه جمع آوری تابلوهای "الحادی" در روستا و مقابله با "گروه های شریک آمیز" که از "خارج کشور" خط می گیرند به روستا حمله کرده و به سوی مردم بی دفاع، که از پیروان اقلیت مذهبی "اهل حق" می باشند، آتش گشودند. به دنبال این اقدام اهالی روستا، که گناهی جز اعتقاد به باورهای جدا از باورهای رسمی حکومت ندارند، با اجرای چند عملیات کمین گذاری در اطراف روستا نیروهای مهاجم رژیم را مورد حمله قرار داده و در ادامه حتی مقر نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی در میاندوآب نیز مورد حمله مسلحانه مردم قرار گرفت. جمهوری اسلامی ادعا کرده که در جریان حملات خویش به این روستا، "مقادیر زیادی" سلاح و

نارنجک از مهاجمین کشف کرده است.

به موازات انتشار این گزارشات، اخباری مبنی بر کشف یک قبضه خمپاره انداز ۶۰ میلی متری در غرب تهران و در مجاورت مراکز نظامی انتشار یافته است. این خمپاره انداز در نزدیکی تقاطع ستاری با بزرگراه تهران- کرج کشف شده است.

اینها تنها مواردی از حرکات اعتراضی و برخوردهای قهرآمیزی هستند که در هفته ها و ماه های اخیر بین توده های به ستوه آمده از جنایات حکومت و نیروهای سرکوبگر رژیم، رخ داده اند. این اخبار مبین گوشه هایی از واقعیت گسترده اعتراضات و طغیان های قهرآمیزی می باشد که هر روز در سطوح و اشکال و به بهانه های مختلف، از طرف توده های به جان آمده ما بر علیه رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی اتفاق می افتند. بدیهی ست که وقوع اعتراضات و شورش های مردمی بر بستر شرائط اقتصادی - سیاسی اسارتباری که نظام سرمایه داری وابسته و رژیم جمهوری اسلامی برای مردم ما آفریده اند، پدیده تازه و یا عجیبی نیست. در شرایطی که مطابق جدیدترین آمارهای حکومتی - که البته هیچگاه بیانگر تمام واقعیت بحرانی موجود و عمق فقر و بدبختی توده های تحت ستم ما در چارچوب نظام استثمارگرانه حاکم نیست - کنترل بیش از ۹۰ درصد ثروت های جامعه تنها در دست ۱۰ درصد از آحاد جامعه یعنی سرمایه داران زالوصفت وابسته و اقشار مرفه است، در شرایطی که حداقل ۵۵ درصد از نیروی کار جامعه در زیر "خط فقر نسبی" بسر می برند، در شرایطی که شاهد آنیم که هزاران تن از کارگران و زحمتکشان

ما در اثر سیاست های ضدخلقی طبقه حاکم و از جمله به تعطیل کشاندن کارخانجات به طور روزمره به خیل بیکاران و ارتش ذخیره کار رانده می شوند، و بالاخره در اوضاع و احوالی که رژیم جمهوری اسلامی با اتکاء به قوه قهر ضدخلقی و کاربرد نامحدود سرنیزه و گلوله های ارتش و سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی و بسیج و وزارت جهنمی اطلاعات و امنیت خویش، امکان بروز و جاری شدن کوچکترین جنبش های اعتراضی صنفی و صلح آمیز در جامعه را گرفته است، آنگاه بسیار هم طبیعی ست که سیلاب خشم توده های به جان آمده ما هر روز در اثر فشارها و مصائب جاری از گوشه ای و یا سوراخی سرازیر شده و در قالب حادثترین شعارها و در شکل شورش های قهرآمیز و حرکات مسلحانه در مقابل ارگان های تعدی و ستم نظام حاکم بروز کند. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضدخلقی خویش نه می خواهد و نه می تواند کمترین خواست های اقتصادی - سیاسی توده ها را برآورده سازد و فریاد اعتراض را با شکنجه و زندان و گلوله و اختناق پاسخ می دهد، در واقع تنها راهی را که در عمل در مقابل مردم به پاخاسته قرار می دهد همانا سخن گفتن با زبان خشونت و قهر و کاربرد سلاح برای کسب حقوق عادلانه خویش است. در حقیقت دیکتاتوری عنان گسیخته طبقه و رژیم حاکم در ایران، گرایش به اعمال زور و خشونت را به مردم به جان آمده تحمیل می کند.

بر مبنای چنین واقعیتی هم هست که ما شاهدیم مقامات رژیم جمهوری اسلامی و طراحان "سیاست های کلان" نظام چگونه با مشاهده گرایش تصاعدی جنبش اعتراضی توده ها به اعمال قهر و

خشونت انقلابی بر علیه حکومت در زندگی روزمره شان، بیش از پیش به تکاپو افتاده و علاوه بر استفاده روزافزون از عامل سرکوب و شکنجه و زندان، از هر حربه و بلندگوی تبلیغاتی ای در داخل و خارج کشور برای پخش ایده های ارتجاعی و بازدارنده ای نظیر "تقبیح خشونت"، ترویج افسانه "اصلاح پذیری جمهوری اسلامی" و مدارا و صبر برای روز قیامت استفاده می کنند. به رغم این تلاش ها، برآمد موج دیگری از اعتراضات و مبارزات قهرآمیز توده ها در روزهای اخیر مبین این حقیقت است که وقوع این حرکات و گرایش فزاینده به اعمال قهر از جانب مردم معترض بر علیه قهر ضدانقلابی حکومت، ریشه در شرایط مادی زندگی آنها تحت دیکتاتوری حاکم دارد. یعنی تا زمانی که نظام استثمارگرانه کنونی باقی ست و تا زمانی که حیات و دوام این نظام ضدخلقی از طریق اعمال خشونت و برقراری یک دیکتاتوری وحشیانه در تمام عرصه های زندگی اجتماعی مردم محافظت می گردد، وقوع حرکات قهرآمیز و خشونت بار توده ای، واکنشی منطقی و اجتناب ناپذیر بر علیه حاکمیت ضدخلقی جمهوری اسلامی و نظام حاکم خواهد بود.

جمهوری اسلامی با سرکوب خشونت آمیز و روزمره اعتراضات توده ای و در همان حال با ندبه و زاری برای تقبیح خشونت، با هدف بازداشتن توده های به جان آمده از اعمال قهرانقلابی می کوشد تا به عمر حکومت ضدخلقی خویش بیفزاید. اما رژیم با این کار در عمل خشم توده های استثمار شونده را هر روز بیش از گذشته بر علیه خود و تمامیت نظام کنونی فزونی می بخشد. موج اخیر برآمدهای توده ای قهرآمیز در شهر های مختلف انعکاس چنین حقیقتی ست.

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!



به عنوان مثال یک کارگر جوان در شرکت ایران خودرو دست خود را به علت عدم وجود ابزار ایمنی و عدم آموزش های لازم برای کار با دستگاه از دست داد. لازم به ذکر است که حوادث ناشی از فقدان کمترین استانداردهای ایمنی در محیط های کار هر ساله جان صدها کارگر زحمتکش را می گیرد.

افزایش

نیروی نظامی کانادا

اخیرا دولت کانادا در جهت حفظ منافع خویش و همچنین تقویت منافع بین المللی امپریالیست ها، به تلاش های وسیع برای تقویت ارتش با هدف حمایت و وسیعتر نظامی از آمریکا و دیگر متحدین خویش دست زده است.

دولت کانادا قصد دارد با افزایش میزان استخدام سالانه ارتش و افزایش بودجه آن، و تغییر در سیاست خارجی و برنامه های نظامی خویش، به میزان شرکت ارتش کانادا در عملیات بین المللی بیفزاید. در حال حاضر کانادا در میان اعضای ناتو دومین رتبه را از نظر تعداد سرباز در عملیات نظامی بین المللی دارد. نیروهای نظامی کانادا نقش مهمی در بمباران صربستان در سال ۱۹۹۸، اشغال افغانستان در ۲۰۰۱، و اشغال عراق داشتند. چند ماه قبل نیز صدها سرباز کانادایی برای کمک به پیشبرد سیاست های امپریالیستی و تجاوز کارانه آمریکا و سرنگون کردن دولت آریستاد به هایتی فرستاده شدند.

خوانندگان مبارز!

با ارسال نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود و با کمک های مالی تان ما را در انجام وظایف و فعالیت های مبارزاتی مان یاری رسانید.

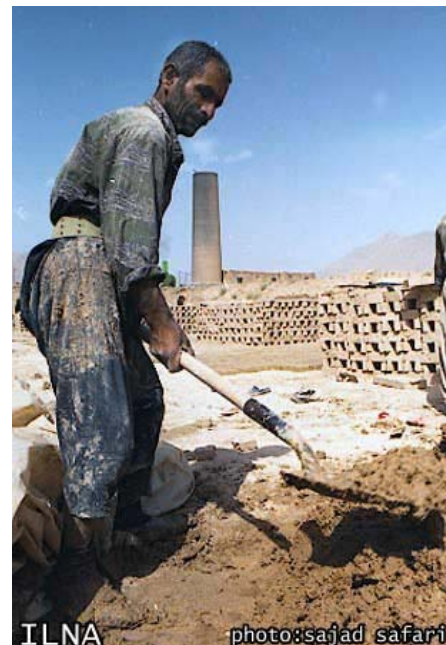
وحشتناک از سوی کارفرمایان و حمایت ارگان های دولتی از آنان به اعتراض برخاسته اند که این اعتراضات به درگیری کارگران با کارفرمایان منجر شده است. درگیری در کوره های آجرپزی بروجرد (روستای جهان آباد)، که باعث مجروح و دستگیری چند تن شد در این رابطه به وقوع پیوسته است.

در تاریخ ۲۷ شهریور نیز کارگران یک شرکت وابسته به سپاه که به طور موقت برای یک ماه برای کار در مجتمع پتروشیمی شیراز به کار گرفته شده بودند به دلیل ضایع شدن حق و حقوق شان با مأموران حراست این مجتمع درگیر شدند که با دخالت پلیس پایان گرفت.



ناامنی شرایط کار

در ماه گذشته، صدمات جسمانی و مرگ و میر کارگران در اثر فشار شدید کاری قربانیان تازه ای گرفت. بی توجهی مسئولین و کارفرمایان به مسائل ایمنی و عدم صرف هزینه برای آموزش کارگران و همچنین عدم تهیه وسایل ایمنی در محیط های کار عامل اصلی این ضایعات می باشد.



چند خبر از مبارزات کارگری

بقیه از صفحه ۱

همچنین ۲۰۰ تن از اخراج شدگان سازمان جنگل ها و مراتع تهران که به بهانه کوچک سازی سازمان و افزایش بهره وری و کاهش هزینه ها کار خود را از دست داده اند بر علیه این اقدام ضدحلقی مقامات حکومت به اعتراض برخاستند.

کارگران فضای سبز شهرداری آبادان، کارگران شرکت "ریسندگی و بافندگی فومنت" و کارگران "مرغداری ایران و آلمان قزوین" نیز به دلیل عدم پرداخت حقوق و احساس ناامنی کاری در اثر اخراج های پی در پی به اعتراض و مقاومت برخاسته اند. علت بیکاری، بلا تکلیفی و عدم پرداخت حقوق به این کارگران، اغلب تعطیل کردن این شرکت هاست که به دلیل سودجویی های کارفرمایان و یا سیاست های ضدحلقی حکومت در خصوص سازی صنایع صورت می گیرد.

همچنین در هفته های گذشته در چند مورد کارگران زحمتکش با مشاهده اعمال تزییقات

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!



جلوه ای از سیاست های اقتصادی ضد خلقی جمهوری اسلامی

نمایند، حمایت می شود و این شرایط باعث وارد آمدن لطمات شدید به پیکره اصلی تولید داخلی در این بخش می شود و به دنبال آن، نیروی کار با مشکلات اقتصادی و معیشتی جدی روبرو خواهد شد."

واقعیت این است که یکی از سیاست های دولت خاتمی ایجاد تسهیلات فراوان برای ورود لوازم خانگی از شرکت های بین المللی و در همان حال وضع عوارض و مالیات های متعدد به کار تولیدکنندگان داخلی این کالاهاست؛ سیاستی که صنایع داخلی تولیدکننده این کالاها را در "آستانه نابودی" قرار داده و صدای یک سری از کارگزاران رژیم را درآورده است.

کشور را به بازاری پرسود برای ورود و فروش هرچه بیشتر کالاهای مصرفی خارجی تبدیل نموده بلکه حیات و معاش صدها هزار تن از تولیدکنندگان خرد و کارگران شاغل در صنعت تولید کالاهای مشابه خارجی را به ورطه سقوط و نابودی کشانده است.

تداوم سیاست های ضد خلقی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در تشویق عنان گسیخته واردات کالا از کشورهای امپریالیستی و در همان حال اعمال تزییقات روزمره در حق تولیدکنندگان داخلی، هر روز بیش از پیش اثرات نابودکننده خود را بر حیات و معاش مردم و به ویژه زحمتکشان باقی گذارده است. اتخاذ چنین سیاست هائی از طرف رژیم، وابستگی اقتصاد کشور به انحصارات و شرکت های خونخوار امپریالیستی را فزونی بخشیده و ایران را هر چه بیشتر به یک بازار سودآور اقتصادی برای آنها تبدیل کرده است.

در همین رابطه باید به انحلال سازمان چای کشور و در همان حال صدور مجوز ورود چای خارجی برای سرمایه داران زالوصفت وابسته توسط حکومت اشاره کرد که صدها هزار تن از تولیدکنندگان خرد و کارگران کشاورزی شاغل در این رشته را در معرض ورشکستگی و نابودی قرار داد. این اقدام ضد خلقی رژیم در شرایطی به وقوع پیوست که به قول مدیر عامل شرکت تعاونی چای، علوی املشی، "ما فیای چای" (بخوان سرمایه داران زالوصفت وابسته به دولت) در شرایط عدم وجود هرگونه کنترلی بر واردات چای، سالانه "۲۵۰ میلیارد تومان" از واردات چای خارجی به جیب می زنند. او با اشاره به نقش "سیاست های نادرست و ناکارآمد دولت" در سال های اخیر اضافه کرده که: "سیاست های ناکارآمد دولت موجب شده تا چای تولید داخلی که صددرصد طبیعی ست به دلیل عدم فروش در بازار و جایگزین شدن چای خارجی، در انبارها باقی بماند و از کیفیت خارج شود."

لازم به ذکر است که رژیم جمهوری اسلامی در طول تمام سال های سلطه نکبت بار خود، با ایجاد تسهیلات دولتی معتناهی برای سرمایه داران زالوصفت وابسته و دول و کمپانی های امپریالیستی مادرکننده کالا به ایران، نه تنها

وقتی که صدای اعضای نهادهای دولتی نیز بلند می شود!

داوود قادری، عضو شورای اسلامی کار رژیم و دبیر اتحادیه کارگران صنایع لوازم خانگی، اخیراً ضمن انتقاد به سیاست های دولت در عدم حمایت از تولیدکنندگان داخلی اعلام کرد که "به عنوان یک مثال برای ساخت یک تلویزیون ۲۱ اینچ در کشور، حدود ۶۰ درصد از مواد اولیه مورد نیاز باید از خارج وارد شود و تعرفه گمرکی واردات آن ۳ درصد کل قیمت مواد اولیه است. همچنین ۴ درصد به عنوان عوارض پس از تولید محصول از تولیدکننده اخذ می شود و این در حالی است که از وارد کننده مشابه خارجی همین کالا، فقط ۴ درصد عوارض گمرکی دریافت می شود. بنابر این تولیدکننده داخلی ۳ درصد بیشتر عوارض می پردازد و قیمت تمام شده برای او حدوداً ۱۸۰ هزار تومان خواهد بود. در صورتی که قیمت تمام شده برای جنس مشابه خارجی در گمرک، ۹۰ هزار تومان می شود."

وی ادامه داد: "متأسفانه شاهدیم که به جای پشتیبانی از تولید داخلی از واردکنندگان کالاهای خارجی که از طریق قانونی اقدام می

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehqhani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 – 208 – 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

زنده باد انقلاب!

زنده باد کمونیسم!

